

وقتی عدالت در خانه زمین گیر می شود!!

۱۰ اسفندماه ۱۳۹۶

در جمهوری اسلامی، هر غیرممکنی، ممکن می شود. تصور نمی کردم که شرایط انقلاب شکوهمند ۱۳۵۷ به شکلی تحول یابد که مجبور شوم از ظلم و بی عدالتی حکومت برآمده از انقلاب به سازمان های بین المللی حقوق بشر، شکایت کنم. و این سازمان ها، رفتار مسؤولان اطلاعاتی - امنیتی - قضایی جمهوری اسلامی را در مورد من «جنایت علیه بشریت» اعلام کنند. در مقابل ظلم و قانون شکنی مکرر، سکوت، خود، جنایت علیه بشریت است و من قصد نداشتم که دست به این جنایت بزنم. لذا، از نهم تیرماه ۱۳۹۳ که مأموران وزارت اطلاعات به خانم در دماوند و تهران یورش بردند و اموال مرا بردند و دخترم را کتک زدند و لباس او را پاره کردند معلوم شد که درصدد پرونده سازی هستند، لب به شکایت گشودم و تا ۲۶ خرداد ۱۳۹۴ که در خیابان ربوده شدم و مرا به زندان بردند، ده ها نامه و لایحه و شکایت و تظلم خواهی به مقامات کردم. ولی بی فایده بودند، تصمیم گیرندگان قدرتمندتر از آن بودند که تظلم خواهی من به رئیس جمهور، وزیر اطلاعات، مقامات قضایی، پاسخ دهد و جلوی بازداشت غیرقانونی مرا بگیرند. از ۲۶ خرداد ۹۴ که پانزده ماه را در زندان گذراندم و تاکنون، حدود یکصدنامه و لایحه ی قانونی توسط من و وکلایم به منظور تظلم خواهی به مقامات اجرایی (ریاست جمهوری، وزارت اطلاعات، بهداشت و درمان و دادگستری) و قضایی (دادیاران، قضات دادگاه های بدوی و تجدید نظر، قاضی اجرای احکام، دادستان تهران، دادستان کل، قبلی و فعلی، ریاست قوه قضائیه) نوشته شده اما فریادرسی نیافتم. شرح مفصل این نامه و عملکرد مقامات اطلاعاتی - امنیتی - قضایی را مفصل نوشته ام و در سایت شخصی من در دسترس است و بقیه موارد هم که هنوز منتشر نشده اند، منتشر خواهم کرد.

خلاصه آنکه قانون شکنی، یکی، دو مورد نیست. هر جا که قانون - قانون مصوب جمهوری اسلامی - به نفع من بوده است؛ از قبیل، مرور زمان شدن محکومیت، دسترسی به وکیل، مرخصی، اجرای نظر پزشکی قانونی، بخشنامه ی عمومی عفو زندانیان و... با قدرت قاهره ی قانون شکنان، متوقف شده است و هنوز هم این پرونده را باز نگهداشته اند و هر وقت که قانون دستور پایان یافتن آن را داده است، غمض عین کرده و روند قانونی را متوقف کرده اند.

به ناچار به «شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد» شکایت کردم که ایران هم عضو این نهاد بین المللی است و تعهد رعایت به الزامات آن را کرده است. بالأخره پس از ماه های طولانی تحقیق و مکاتبه ی شورای حقوق بشر با مقامات ایرانی در ۲۲ آگوست ۲۰۱۶ (اول شهریور ۱۳۹۵) حکم خود را در محکومیت دولت

ایران صادر کرده است و رفتار دولت ایران در مورد من، بازداشت خودسرانه، نقض قانون عفو، عدم محاکمه‌ی عادلانه و قانونمند و عدم رعایت شرایط زندان و در نهایت جنایت علیه بشریت، نامیده و «جرم» مرا «ملی-مذهبی» بودن؛ یعنی اعتقادی، دانسته است. اینک متن ترجمه‌ی این حکم شورای حقوق بشر - قبلاً متن انگلیسی آن را منتشر کرده‌ام - را منتشر می‌کنم ولی این سؤال برایم به‌طور جدی مطرح است که چه وقتی قرار است، قانون اساسی، قوانین عادی و قوانین شرعی و از همه مهم‌تر بیانیه‌ی حقوق بشر علی‌بن ابیطالب (فرمان به مالک اشتر) در جمهوری اسلامی اجرا شود. مطمئن هستم که اسلام و علی‌بن‌ابی‌طالب بر حق هستند ولی آیا آقایانی که این رفتار را با من و امثال من کرده و می‌کنند، می‌توانند اثبات کنند که مسلمان هستند؟!

حسین رفیعی

**ترجمه‌ی متن شورای حقوق بشر در مورد محکومیت دولت جمهوری اسلامی
جهت بازداشت خودسرانه‌ی محمدحسین رفیعی فنود**

A/HRC/WGAD/2016

هفتم سپتامبر ۲۰۱۶
زبان اصلی: انگلیسی

شورای حقوق بشر

گروه کار حبس خودسرانه

نظرات متخذه توسط گروه کاری حبس خودسرانه - در جلسه‌ی هفتاد و ششم گروه مزبور

۲۲ تا ۲۶ اوت ۲۰۱۶

نظر شماره ۲۵/۲۰۱۶ درباره‌ی آقای محمدحسین رفیعی فنود (جمهوری اسلامی ایران)

۱- «گروه کار» حبس خودسرانه در مصوبه‌ی 1991/42 کمیسیون حقوق بشر تأسیس شد و دستورکار گروه کار مزبور را در مصوبه‌ی 1997/50 خود گسترش داده و شفاف ساخت. شورای حقوق بشر دستور کار مزبور را در تصمیم 1/102 خود مورد بررسی قرار داد و در مصوبه 15/18 مورخه ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۰ خود برای یک مدت سه ساله تمدید کرد. دستور کار مزبور در مصوبه‌ی 24/7 مورخه‌ی ۲۶ سپتامبر ۲۰۱۳ برای یک دوره‌ی سه ساله‌ی دیگر تمدید شد.

۲- «گروه کار»، بر طبق شیوه‌های کار خود (A/HRC/30/69)، در مورخه‌ی ۲۰ ژوئن ۲۰۱۶، نامه‌ی مکتوبی را به دولت جمهوری اسلامی ایران درباره‌ی آقای محمدحسین رفیعی فنود ارسال کرد. دولت به نامه‌ی مزبور پاسخی نداده است. دولت مزبور، عضو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است.

۳- «گروه کار»، محرومیت از آزادی را در موارد زیر، «خودسرانه» قلمداد می‌کند.
(الف) در صورتی که ارائه‌ی هرگونه مبنای حقوقی برای توجیه محرومیت از آزادی به وضوح امکان‌پذیر نباشد (مانند موقعیتی که یک فرد پس از اتمام دوران محکومیت‌اش در زندان نگهداری شود و یا علی‌رغم قانون عفو مرتبط با مورد او) (طبقه‌ی I)؛

(ب) در صورتی که محرومیت آزادی، حاصل از حقوق یا آزادی‌های تضمین شده توسط بندهای ۷، ۱۳، ۱۴، ۱۸، ۱۹، ۲۰ و ۲۱ بیانیه‌ی جهانی حقوق بشر، و در مواردی که به احزاب کشورها مربوط می‌شود، توسط بندهای ۱۲، ۱۸، ۱۹، ۲۱، ۲۲، ۲۵، ۲۶ و ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی می‌شود (طبقه‌ی

(ج) در صورتی که عدم رعایت جزئی یا کلی هنجار (قواعد) بین‌المللی مرتبط با حق محاکمه‌ی عادلانه، تصریح شده در بیانیه‌ی جهانی حقوق بشر و نیز اسناد مربوطه‌ی بین‌المللی مورد قبول دولت‌های مرتبط، از چنان حدتی برخوردار باشد که به محرومیت از آزادی جنبه‌ی خودسرانه بدهد (طبقه‌ی III)

(د) در صورتی که پناه‌جویان، مهاجران یا پناهندگان، بدون امکان تجدیدنظر دولتی یا حقوقی یا چاره‌اندیشی، مورد بازداشت طولانی‌مدت دولتی (اداری) قرار می‌گیرند (طبقه‌ی IV)

(ه) هنگامی که محرومیت از آزادی، شامل نقض حقوق بین‌المللی به دلیل تبعیض مبتنی بر تولد، ملیت، یا منشاء اقلیتی یا اجتماعی، زبان، مذهب، شرایط اقتصادی، نظرگاه سیاسی یا غیره، جنسیت، گرایش جنسیتی یا ناتوانی یا وضعیت دیگر، که گرایش دارد یا می‌تواند منجر شود به چشم‌پوشی از تساوی آزادی‌های انسانی (طبقه‌ی V)

مدارک ارائه شده

مکتوبات دریافتی از منبع

۴- آقای محمدحسین رفیعی فنود (از این پس آقای رفیعی) شهروند ۷۱ ساله‌ی ایران معمولاً در تهران ساکن است. آقای رفیعی استاد بازنشسته‌ی شیمی پلیمر دانشگاه تهران است. او همچنین عضو گروه سیاسی ملی - مذهبی (همچنین معروف به ائتلاف ملی مذهبی) و یکی از اعضای شورای ملی صلح ایران است. طبق گزارش دریافتی، ملی - مذهبی یک ائتلاف اصلاح‌طلب اپوزیسیون در ایران است که فعالیت‌های صلح‌جویانه‌ای را برای بهبود حقوق بشر، دموکراسی و اصلاحات در چارچوب قانون اساسی ایران انجام داده است.

۵- طبق گزارش منبع، در فوریه‌ی ۲۰۰۱ به همراه سایر اعضای ائتلاف ملی - مذهبی دستگیر شد. به کلیه‌ی اعضای دستگیر شده اتهام «براندازی قانونی رژیم حاکم» زده شد، که منبع اظهار می‌دارد که یک اتهام متناقض است چرا که روشن نیست براندازی می‌تواند قانونی باشد. منبع همچنین اظهار می‌دارد که این اتهام هیچ مبنایی در قانون ایران ندارد. آقای رفیعی، شش ماه را در بند ۵۹ زندان اوین تحت نظر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گذراند. منبع اظهار می‌دارد که عمده‌ی آن زمان را در انفرادی گذرانده و نیز آن که آقای رفیعی تحت فشار روانی قرار گرفت تا به اتهام وارده اعتراف کند و اطلاعاتی را برای تهمت به سایر اعضای ملی - مذهبی ارائه کند. ماه‌ها بعد طی جلسه‌ی برگزار شده در دادگاه انقلاب، کیفرخواست نتوانست اتهام را اثبات کند، و آقای رفیعی و سایر اعضای ملی - مذهبی با وثیقه آزاد شدند. با اینهمه، در سال ۲۰۰۳، آقای رفیعی اتهام «عضویت و فعالیت در گروه غیرقانونی ملی - مذهبی»، و «نشر اکاذیب بر علیه نظام از طریق نوشته‌ها و بیانیه‌ها» تحت مواد ۴۹۹ و ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی را دریافت کرد. وی محکوم به سه سال زندان، و همچنین دو سال ممنوعیت در انجام «فعالیت‌های سیاسی و مطبوعاتی» شد. محکومیت مزبور

هرگز اجرا نشده است، نه برای آقای رفیعی و نه اغلب اعضای ملی - مذهبی، هرچند که در مورد سه یا چهار نفر پس از انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ (۲۰۰۹) اجرا شد.

۶- علاوه بر این، منبع اطلاع می‌دهد که آقای رفیعی با یک حکم شش‌ساله‌ی دیگر به خاطر همان اتهامات (قبلی) روبرو است. در ژوئن ۲۰۱۴، عوامل وزارت اطلاعات بنا به اظهار، به خانهِ آقای رفیعی در تهران و دماوند یورش برده و کتاب‌ها، مدارک دستنویس، و هارد دیسک‌های کامپیوتر ایشان را توقیف کردند. منبع همچنین اظهار می‌دارد که اندکی پس از این یورش، اتهام دیگری بر علیه آقای رفیعی در شعبه‌ی ۱۵ دادگاه انقلاب مطرح شد. طی محاکمه‌ی وی، به آقای رفیعی اطلاع داده شد که در صورت پرداخت وثیقه‌ی بسیار بالایی می‌تواند آزاد شود. در ۲۵ ماه مه ۲۰۱۵، آقای رفیعی به شش سال حبس محکوم و ممنوعیت دو ساله‌ی اقدامات سیاسی و فعالیت‌های مطبوعاتی بر او اعمال شد.

۷- طبق اظهار منبع، هر دو محاکمات آقای رفیعی در سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۱۵ در جلسات محرمانه که برای حضور عموم مجاز نبوده و هیئت منصفه‌ای نداشته برگزار شده. این امر نقض اصل ۱۶۸ قانون اساسی ایران است. علاوه بر این، آقای رفیعی برای یک اقدام ادعایی، دو بار مورد محاکمه و محکومیت قرار گرفته است.

۸- آقای رفیعی در ۱۶ ژوئن ۲۰۱۵ در راه منزل توسط مأمورین «اجرای احکام» و نیز مأموران «نیروی حفاظت و اطلاعات وزارت اطلاعات» دستگیر شد. منبع گزارش می‌دهد که اتومبیل آقای رفیعی در تهران به زور متوقف شد و گرچه مسئول (فرمانده‌ی) «نیروهای اجرای احکام» کارت شناسایی خود را به آقای رفیعی نشان داد، مأمورین «نیروی حفاظت و اطلاعات» چنین اقدامی انجام ندادند. آقای رفیعی به زور به اتومبیل مقامات دستگیرکننده برده شد. منبع اظهار می‌دارد که هیچ مجوز دستگیری ارائه نشد و هیچ توضیحی دال بر علل دستگیری به آقای رفیعی داده نشد.

۹- بر طبق اظهار منبع، آقای رفیعی به مرکز بازرسی بازداشتگاه اوین برده شد که در آنجا قاضی در ابتدا از بازداشت ایشان به دلیل نبود مجوز دستگیری و توقیف، خودداری کرد. ولی، نیروهای امنیتی، قاضی را مجبور به تماس با دادستان تهران کردند تا اجازه‌ی توقیف آقای رفیعی را بدهد. چند ساعت بعد، آقای رفیعی به دنبال دستور مستقیم تلفنی دادستان تهران، بازداشت شد. منبع تأکید می‌کند که هیچ توضیح یا دلیلی برای بازداشت آقای رفیعی داده نشد. آقای رفیعی سپس به زندان اوین تهران منتقل شد که در آنجا اعتصاب غذا کرد و از دریافت دارو به عنوان اعتراض به دستگیری خود، امتناع کرد. وی چهار روز بعد، از اعتصاب غذا دست برداشت، پس از آن که خانواده و دوستانش از او خواستند (اعتصابش را بشکنند).

۱۰- منبع مدعی است که به آقای رفیعی پس از یک ماه بازداشت، شفاهاً اطلاع داده شد که دستگیری وی به خاطر گذراندن دوران محکومیتی بوده که در سال ۲۰۰۳ برای او تعیین شده بود. هیچ مجوز کتبی یا تصمیم مقام قضایی یا عمومی به آقای رفیعی در جهت تأیید دلیل بازداشت وی داده نشد.

۱۱- منبع اطلاع می‌دهد که جلسه‌ی دادگاه تجدیدنظر آقای رفیعی، در ژانویه ۲۰۱۶ در شعبه‌ی ۵۴ دادگاه

تجدیدنظر انقلاب، بدون حضور وی برگزار شد. قرار بود آقای رفیعی در جلسه حضور داشته باشد، لیکن مسئولین زندان او را به دادگاه نبردند. طبق اظهار منبع، وکیل آقای رفیعی درخواست تعویق دادگاه را داد، اما با درخواست موافقت نشد. دادگاه پشت درهای بسته با حضور قاضی، نمایندگان وزارت اطلاعات و وکیل برگزار شد. در ۲۲ فوریه ۲۰۱۶، نتایج فرجام‌خواست، اعلام شد. دادگاه تجدیدنظر، حکم ۱۵ ماه می ۲۰۱۵ آقای رفیعی را که وی به شش سال زندان و دو سال ممنوعیت در فعالیتهای سیاسی و مطبوعاتی محکوم شده بود را تأیید کرد. طبق اظهار منبع آقای رفیعی توانست تلفنی با وکیل اش صحبت کند، ولی در زندان با وی دیدار نداشت. به گزارش منبع، درخواستی برای ملاقات حضوری بین وکیل و آقای رفیعی انجام نشد، و روشن نیست که آیا اجازه‌ی چنین ملاقاتی داده می‌شد.

۱۲- طبق اظهار منبع، آقای رفیعی از زمان دستگیری در بند ۸ زندان اوین که به نظر می‌رسد محل زندانی متهمین جرایم مالی، مواد مخدر و راهزنی (دزدی دریایی) باشد نگهداری شده است. منبع بر این باور است که این امر نقض مقررات زندان در ایران است که الزام می‌دارد زندانیان بر طبق ملیت، جرایم و محکومیت‌شان از یکدیگر مجزا شوند. گزارش می‌شود که آقای رفیعی در معرض شرایط سخت حبس و رفتار تحقیرآمیز قرار دارد. طی ماه‌های ابتدایی حبس، آقای رفیعی در راهروی بند می‌خوابید چرا که تخت کافی وجود نداشت. شرایط بهداشتی بند نازل است خصوصاً در ماه‌های تابستان. بند مزبور دارای تعداد کافی توالت و دوش نیست. و کمیت و کیفیت غذا نازل است. درمانگاه زندان فاقد داروهای لازم است، و زندانیان دارای بیماری‌های مسری از قبیل AIDS/HIV و هیپاتیت B و C درمان نمی‌شوند و منجر به قرار دادن زندانیان حاضر در شرایط متراکم (محدودیت فضا) در معرض ابتلا به بیماری‌ها می‌شود.

۱۳- منبع اظهار می‌دارد که شرایط حبس آقای رفیعی باعث تشدید مشکلات جدی سلامتی او می‌شود. آقای رفیعی از مشکل قلبی، فشار خون بالا، اختلال تیروئید، فلج گهگاهی دست راست، واریس پیشرفته‌ی رگ‌ها، تاری دید و آلرژی شدید، و در معرض آمبولی، سکته و حمله‌ی قلبی قرار دارد. منبع مدعی است وی به پزشک دسترسی نداشته، و مسئولین حداقل در یک مورد از ارائه‌ی داروهای آورده شده به زندان توسط خانواده‌اش، به آقای رفیعی امتناع کرده‌اند.

۱۴- طبق اظهار منبع، زندانیان بر طبق قوانین زندان در هر ماه سه روز اجازه‌ی مرخصی زندان را دارند. با اینهمه، درخواست ارائه شده طی سال‌های ۲۰۱۵ برای آقای رفیعی به منظور استفاده از این مرخصی رد شد. در ماه مه ۲۰۱۶، دادستان تهران مرخصی سه روزه را برای آقای رفیعی اجازه داد، ولی مأمورین امنیت و اطلاعات اجازه‌ی مرخصی به او ندادند.

۱۵- منبع همچنین ابراز می‌دارد که وکیل آقای رفیعی، چندین بار به حبس ایشان اعتراض کرده است. وکیل آقای رفیعی ارجاعاتی به بخش‌های مربوطه‌ی قانون اساسی و قوانین مصوب را برای مرکز دادرسی و دادستان تهران ارائه کرده است. تاکنون هیچ پاسخ رسمی دریافت نشده است. منبع همچنین اطلاع می‌دهد

که مسئولین دادرسی (دادستانی) شفاهاً به وکیل آقای رفیعی متذکر شده‌اند که به علت گذر زمان، محکومیت سال ۲۰۰۳ برای آقای رفیعی دیگر اعتبار ندارد و در نتیجه باید آزاد شود. آقای رفیعی چندین نامه درباره‌ی مورد خود از زندان به رییس جمهور ایران، رییس قوه‌ی قضائیه، و دادستان کل ایران نوشت، ولی هیچ پاسخی دریافت نشده است. آقای رفیعی هم‌اکنون بیش از یکسال است که پس از دستگیری در ۱۶ ژوئن ۲۰۱۵ در زندان است.

درخواست‌های اضطراری (فوری)

۱۶- دو درخواست فوری در مورد آقای رفیعی در تاریخ‌های اول فوریه ۲۰۱۶ و ۲۲ آوریل ۲۰۱۶ به دولت ایران نوشته شد. این درخواست‌ها توسط چندین تن از مسئولین (حکام)^۱ بخش «رویه‌های ویژه‌ی سازمان ملل متحد» ارسال شد. این درخواست‌های فوری تقاضای اطلاعات از دولت درباره‌ی چگونگی رفتار با آقای رفیعی داشت و از دولت تقاضای حفاظت از حقوق وی را داشت. درخواست‌های فوری، همچنین درباره‌ی ادعاهای ارائه شده و نیز اطلاعات بیشتر درباره‌ی وضعیت آقای رفیعی خصوصاً در موارد زیر خواستار توضیح شد:

الف - چه موازینی اتخاذ شده تا برای آقای رفیعی ضمانت‌های جریان (دادرسی) و محاکمه‌ی عادلانه، در دسترسی مؤثر به وکیل فراهم شود؛

ب - آیا موازینی اتخاذ شده تا حقوق انسانی او در زمان حبس مورد احترام قرار گرفته و حفظ شود که این شامل آسایش فیزیکی و روانی وی می‌شود. در این که آیا سیاست‌ها و مقرراتی وجود دارد تا تضمین دهد که زندانیانی با وضعیت مشابه دارای دسترسی به تسهیلات مناسب و لازم پزشکی هستند، و

ج - آیا موازینی در نظر گرفته شده، یا برنامه‌ریزی شده تا از حقوق انسانی جمعیت‌های زندانی مخاطره‌دار، و دیگری که محکومیت‌های جرایم سیاسی یا امنیت ملی دارند حفاظت کنند، منجمله موازینی شامل مقررات سازمان‌های زندان‌های دولتی درباره‌ی جداسازی زندانیان بر مبنای محکومیت‌ها و اتهامات آن‌ها.

۱۷- گروه کار متأسف است که هیچ پاسخی از دولت به دو درخواست فوری ارسالی در رابطه با مورد آقای رفیعی دریافت نشد.

مدارک ارائه شده درباره‌ی حبس خودسرانه

۱۸- منبع اعلام می‌دارد (مدارک) که محرومیت از آزادی آقای رفیعی امری خودسرانه و در تطابق با

۱. معاون گروه کاری حبس خودسرانه، گزارشگر ویژه‌ی ارتقا و حفاظت از حقوق آزادی عقیده و بیان، گزارشگر ویژه‌ی حق آزادی اجتماع و همکاری صلح‌جویانه، گزارشگر ویژه‌ی حق همگان در برخورداری از بالاترین استاندارد قابل دستیابی به سلامت فیزیکی و روانی، و گزارشگر ویژه‌ی وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی. گروه کار به درخواست فوریه‌ی ۲۰۱۶ پیوست، اما به درخواست فوری آوریل ۲۰۱۶ نپیوست.

بخش‌های I، II، III از بخش‌های مورد کاربرد گروه کاری است.

۱۹- در رابطه با بخش I، منبع اعلام می‌دارد که هیچ مبنای قانونی برای تداوم محرومیت از آزادی آقای رفیعی وجود ندارد. منبع اشاره می‌کند به عدم ارائه‌ی مجوز دستگیری توسط مسئولان در هنگام دستگیری آقای رفیعی و عدم تفهیم اتهام به وی برای دستگیری و حبس او. گذشته از این، چون محکومیت آقای رفیعی در سال ۲۰۰۳ بیش از ده سال است که اجرا نشده، طبق ماده‌ی ۱۰۴ مقررات مجازات اسلامی، فاقد اعتبار است. دستگیری آقای رفیعی در ژوئن ۲۰۱۵ بر پایه‌ی محکومیت مقرر در ۲۰۰۳ و تداوم حبس وی، بنابراین غیرقانونی است. طبق اظهار منبع، ماده‌ی ۱۰ «دستور عفو زندانی در مارس ۲۰۱۶» (۱۲ فروردین ۱۳۹۵) تصریح می‌دارد که زندانیان مرد بالای ۶۵ سال سن که بیش از یک پنجم محکومیت‌شان را گذرانده‌اند باید آزاد شوند. آقای رفیعی ۷۱ ساله است و بیش از یک سال در زندان بوده (از ژوئن ۲۰۱۵ تا کنون) و قبلاً به مدت ۶ ماه در سال ۲۰۰۱ که به معنای آن است که وی هر دو شرط قانون عفو را اغنا کرده است. منبع گزارش می‌دهد که مسوولین مورد آقای رفیعی را برای عفو مورد ملاحظه قرار داده و نام وی را بخش دادرسی فرستاده‌اند، اما دادرس از دستور آزادی اجتناب کرده است.

۲۰- در رابطه با بخش II، منبع اظهار می‌دارد که بر طبق ماده‌ی ۱۶۸ قانون اساسی ایران، احزاب سیاسی اجازه‌ی فعالیت دارند مگر در یک دادگاه آزاد با حضور هیئت منصفه، ممنوع شده باشند. منبع اظهار می‌دارد که هیچ محکمه‌ای برگزار نشده تا قانونی بودن عملیات ملی - مذهبی را تعیین کند. و به عنوان یک گروه غیرقانونی یا ممنوع، اعلام نشده است. علاوه بر این، هیچ مدرکی دال بر اتهامات بر علیه آقای رفیعی در مورد «اشاعه‌ی تبلیغات بر علیه نظام» در هیچ مرحله‌ای در فرایند قضایی بر علیه وی ارائه نشد. منبع نتیجه‌گیری می‌کند که بنابراین، اتهامات بر علیه آقای رفیعی صرفاً در جهت محدود کردن آزادی عقیده و بیان و حق وی در آزادی اجتماع، بر خلاف قانون اساسی ایران، مواد ۱۸، ۱۹ و ۲۰ از UDHR، و بندهای ۱۸، ۱۹ و ۲۲ ICCPR است.

۲۱- در رابطه با بخش III، منبع اشاره می‌کند که به چندین مورد جدی عدم رعایت هنجار (قانون‌های) بین‌المللی مرتبط با حق محاکمه‌ی منصفانه، از قبیل اجرای محاکمات آقای رفیعی در جلسات در بسته بدون حضور هرگونه هیئت منصفه‌ای. آقای رفیعی همچنین درباره مورد محاکمه و دادن حکم برای یک عمل مفروض قرار گرفته که نقض ماده‌ی ۱۴ از ICCPR است.

پاسخ دولت به تماس (مکتوب) معمول (رسمی) گروه کار

۲۲- در ۲۲ ژوئن ۲۰۱۶، گروه کار ادعاهای مطرح شده توسط منبع را طی یک جریان مکاتباتی رسمی به دولت منتقل کرد. گروه کار از دولت تقاضا کرد که اطلاعات تفصیلی در رابطه‌ی وضعیت فعلی آقای رفیعی را تا ۱۹ اوت ۲۰۱۶ ارائه کند. با این توضیح که به هرگونه نظرخواهی درباره‌ی ادعاهای منبع را خوش‌آمد خواهد گفت. گروه کار همچنین، از دولت خواست تا زمینه‌های عینی (factual موارد مصداقی) و حقوقی

مطروحه در توجیه تداوم حبس آقای رفیعی را روشن کرده، و جزئیات مرتبط با تطابق محرومیت وی از آزادی و فقدان آشکار روند قضایی منصفانه مطابق با قانون کشوری (داخلی) و توافقنامه‌های بین‌المللی حقوق بشر که جمهوری اسلامی ایران یکی از اعضای آن است را ارائه دهد.

۲۳- گروه کار از این که پاسخی از دولت به این مکتوب داده نشده، اظهار تأسف می‌کند. دولت برای افزایش زمان مورد نیاز برای ارائه پاسخی درخواست نکرد، همان‌گونه که دستورالعمل گروه کار مشخص شده است.

بحث

۲۴- به خاطر نبود پاسخی از سوی دولت، گروه کار تصمیم گرفته نظرگاه خود را در سازگاری با پاراگراف ۱۵ دستورالعمل خود، تسلیم کند.

۲۵- گروه کار طبق قوانین داخلی خود طرقي را تأسیس کرده که بدان وسیله با موضوعات مستند، برخورد می‌کند. در صورتی که منبع، یک مورد حقوقی پیشین مرتبط با نقض مقررات بین‌المللی مشتمل بر حبس خودسرانه را مطرح کرده باشد، دولت باید بداند که مسئولیت اثبات در صورتی که بخواهد ادعاهای مزبور را ابطال کند بر عهده‌ی دولت است.^۲ در این مورد (بخصوص) دولت پذیرفته است که ادعاهای پیشین قابل پذیرش منبع را به چالش نکشد.

۲۶- گروه کار در نظر می‌گیرد که منبع نشان داده است که هیچ مبنای حقوقی، محرومیت آزادی آقای رفیعی را توجیه نمی‌کند. منبع اطلاعاتی ارائه داده و دولت نتوانست نقض کند که آقای رفیعی بدون ارائه‌ی مجوز بر خلاف بند (۱) ICCPR ۹ توقیف شده است. علاوه بر آن، در زمان دستگیری، دلایل دستگیری به آقای رفیعی اعلام نشده است که برخلاف بند (۲) ICCPR ۹ است. طبق منبع، آقای رفیعی تنها پس از گذراندن یک ماه در زندان مطلع شد که دستگیری وی برای گذراندن حکم سه سال زندان اعمال شده در سال ۲۰۰۳ بوده است. علاوه بر آن، گروه کار درمی‌یابد که در عدم ارائه‌ی هرگونه مدرکی بر خلاف آن توسط دولت، آقای رفیعی مستحق عفو و آزادی زودرس از ابتدای مارس ۲۰۱۶ (۱۲ فروردین ۱۳۹۵) بوده، لیکن از دستورالعمل مزبور نتوانسته استفاده کند. بنابراین محرومیت از آزادی آقای رفیعی تحت بخش I از بخش‌های کاری گروه کار قرار می‌گیرد.

۲۷- گروه کار، اطلاعات کافی برای ابراز عقیده درباره‌ی این استدلال منبع که حکم اعمال شده بر آقای رفیعی در سال ۲۰۰۳ برای بیش از مدت ۱۰ سال اجرا نشده و طبق ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی، دیگر معتبر نیست، ندارد. یکی از گزارش‌های اخیر گزارشگر ویژه در باب حقوق بشر در ج.ا.ا به طور خاص به مورد آقای رفیعی اشاره دارد، متذکر می‌شود که طبق قوانین مجازات اسلامی، احکام مربوط به جرم‌های دو

۲. به عنوان مثال، گزارش گروه کار،

تا پنج سال، پس از ده سال باطل می‌شوند در صورتی که اجرا نشده باشند. اما گزارش همچنین اظهار می‌دارد که سایر مواد قانون مزبور به طور مشخص، جرم‌های امنیت ملی را از حیطه‌ی محدودیت‌های مورد نظر مستثنی می‌کند و روشن نیست آیا اتهامات بر علیه آقای رفیعی در این استثناء قرار می‌گیرند یا خیر.^۳

۲۸- در نبود (عدم ارائه‌ی) اطلاعاتی توسط دولت، گروه کار ملاحظه می‌کند که منبع نیز نشان داده است که آقای رفیعی به دلیل عضویت‌اش در ائتلاف سیاسی ملی - مذهبی، از آزادی‌اش محروم شده است. عوامل متعددی وجود دارد که به همراه هم، این نتیجه را پشتیبانی می‌کند. این موارد شامل گزارش‌های منبع است که دادرسی نتوانست مدارک کافی برای اثبات اتهامات براندازی را بر علیه آقای رفیعی در سال ۲۰۰۱ ارائه کند، و نیز هیچ مدرکی دال بر اتهام «اشاعه‌ی اکاذیب بر علیه نظام» در هیچ مرحله‌ای در جریان دادرسی‌ها ارائه نشد. علاوه بر آن، مسئولین مکرراً سعی داشتند آقای رفیعی را به خاطر عضویت در ائتلاف ملی - مذهبی در جریان دادرسی‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۱۵ محاکمه کنند. علیرغم این جریان‌ات دادگاهی مکرر بر علیه آقای رفیعی، مسئولین نتوانستند، محکومیت اولیه‌ی سه سال زندان که در ۲۰۰۳ بر وی اعمال شده بود را اجرا کنند، که نشان می‌دهد این فرایند بیشتر با انگیزه‌ی جدا کردن آقای رفیعی از شرکت در فعالیت‌های ملی - مذهبی‌ها بوده تا اطمینان از این که جرایم منتسبه در باب امنیت ملی مورد مجازات مناسب قرار گیرد. در حقیقت ممنوعیت از اشتغال به فعالیت‌های سیاسی و مطبوعاتی به مدت دو سال، در هر دو مورد دادگاه‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۱۵ اعمال و توسط دادگاه تجدیدنظر سال ۲۰۱۶ نیز تأیید شد.

۲۹- گروه کار نظر دارد که آقای رفیعی به خاطر استیفای حق آزادی بیان و عقیده، حق آزادی اجتماع، و حق شرکت در اجرای امور اجتماعی از طریق یک گروه سیاسی، حبس شده که این حبس‌ها نقض مواد ۱۹، ۲۰ و ۲۱ UDHR، و مواد ۱۹، ۲۲ و ۲۵ ICCPR است. با توجه به این که دولت در این مورد پاسخی ارائه نکرد، هیچ امر مفروضی درباره‌ی محدودیت‌های قابل قبول از این مواد (از قبیل استثنائات مربوطه به حفاظت از امنیت ملی، نظم و ایمنی اجتماعی)، در این مورد قابل اعمال نیست. بنابراین محرومیت از آزادی آقای رفیعی تحت بخش II از بخش‌های دستورالعمل گروه کار قرار می‌گیرد.

۳۰- گروه کار همچنین چندین مورد از نقض هنجارها (قوانین و مقررات) بین‌المللی را می‌بیند که مربوط است به حق محاکمه‌ی منصفانه، شامل این امر که هر دو محاکمه‌ی آقای رفیعی در ۲۰۰۳ و ۲۰۱۵ پشت درهای بسته انجام شد، بر خلاف بند (۱) ۱۴ ICCPR. دولت هیچ استدلالی مبنی بر این که هرگونه استثنایی به این شرط، در این مورد موجه است ارائه نداد. علاوه بر این، آقای رفیعی تنها با وکیل‌اش به صورت تلفنی دسترسی داشت و نه حضوری، که گروه کار در حیطه‌ی شرایط این مورد برای اغنای دسترسی مؤثر به وکیل که شرط ماده‌ی b (3) 14 ICCPR است ناکافی می‌داند. همان‌گونه که کمیته‌ی

۳. اطلاعات تکمیلی در مورد حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران

حقوق بشر در یادداشت عمومی شماره ۳۲ بیان کرد، وکلا باید بتوانند موکلانشان را به طور خصوصی ملاقات کنند و با متهمان در شرایطی ارتباط بگیرند که به طور کامل محرمانگی مراودات را محترم دارد. (پاراگراف ۳۴)

۳۱- علاوه بر این، جلسه‌ی استماع تجدیدنظر در غیاب وی در ژانویه ۲۰۱۶ برگزار شد. در حالی که ماده‌ی d (3) ICCPR 14 تنها مجرمین جنایی را محق می‌داند که در حضور خودشان مورد محاکمه قرار گیرند (در مقابل حضور در یک جلسه‌ی استماع استیناف)، گروه کار متقاعد نشده است که آقای رفیعی بررسی استیناف منصفانه‌ای طبق ماده‌ی (5) ICCPR 14 دریافت داشته اگر وی انتظار داشته به همراه وکیل‌اش به یک دادگاه استماع استیناف برود، در حالی که به وی چنین اجازه‌ای داده نشده است. این امر بدین دلیل مسجل است که آقای رفیعی نتوانسته بود وکیل‌اش را شخصاً در زندان ملاقات کند. در آخر، آقای رفیعی در سال ۲۰۱۵ به خاطر عملی، بنا بر ادعا، محکوم شد که قبلاً در سال ۲۰۰۳ به خاطر آن محکومیت یافته بود، که این بر خلاف ماده (7) ICCPR 14 است. گروه کار نتیجه‌گیری می‌کند که این تخلفات از حق محاکمه‌ی منصفانه چنان وزنی به محرومیت از آزادی آقای رفیعی می‌دهد که به آن شاخصه‌ی خودسرانه را بر طبق بخش III از بخش‌های دستورالعمل گروه کار، مسجل می‌کند.

۳۲- گروه کار خواستار آن است که نگرانی عمیق خود درباره‌ی وضعیت رو به نزول سلامتی آقای رفیعی را از زمان بازداشت ایشان در ژوئن ۲۰۱۵ ثبت کند. گروه کار به ویژه به ادعاهای منبع دایر بر این که به آقای رفیعی علیرغم بیماری‌های جدی وی مداوای پزشکی لازم ارائه نشده، ارجاع می‌دهد و آن که شرایط بازداشت ایشان بر آن بیماری‌ها تأثیرگذار است. گروه کار بر این نظر است که چنین رفتاری ناقض حقوق آقای رفیعی تحت بند (1) ICCPR 10 است که می‌گوید با وی باید با انسانیت و احترام به شرافت ذاتی‌اش رفتار شود. و نیز این رفتار بسیار نازل‌تر است از الزامات در حداقل مقررات اصلاح شده‌ی معیار سازمان ملل برای رفتار با زندانیان (قواعد نلسون ماندلا).^۴

۳۳- این مورد، یکی از چندین موردی است که طی سال گذشته به گروه کار ارجاع شده درباره‌ی محروم کردن آزادی افراد در جمهوری اسلامی ایران، فقط به خاطر استفاده‌ی صلح‌جویانه آنان از حقوق مدنی و سیاسی. اغلب این موارد شامل بازداشت‌شدگانی است که بیماری‌های جدی همانند مورد فعلی دارند.^۵ گروه کار خاطر نشان می‌کند که تحت شرایط معینی، زندان کردن گسترده و یا سیستماتیک یا دیگر

۴. GA Res. 70/175, A/RES/70/175, 8 Jan. 2016. See for Example, rules 1, 11-13, 15-16, 21-22, 24-27, 30-33, 35.

۵. گروه کار و سایر نهادهای سازمان ملل، امتناع جمهوری اسلامی از خدمات پزشکی به زندانیان سیاسی، از جمله آقای رفیعی را بیان کرده‌اند. مراجعه کنید به

محرومیت های شدید از آزادی در نقض قواعد اساسی قانون بین‌المللی، می‌تواند مشتمل بر جنایت بر علیه بشریت باشد.^۶ گروه کار، از دعوت برای ملاقاتی در ج.ا.ا استقبال می‌کند تا به طور سازنده با دولت تعامل کند و کمک نماید تا نگرانی‌های خود درباره‌ی محرومیت خودسرانه‌ی آزادی را مطرح کند.

۳۴- بالاخره، گروه کار نگرانی خود از سکوت دولت در عدم استفاده از فرصت پاسخگویی به ادعاهای جدی مطرح شده در این مورد، و سایر مکتوبات منتقل شده به گروه کار را خاطرنشان می‌سازد. (رک، نظرگاه‌های گروه کار درباره‌ی جمهوری اسلامی ایران، شماره‌های 1/2016، 44/2015، 16/2015، 55/2013، 52/2013، 28/2013، 18/2013، 54/2012، 48/2012، 30/2012، 8/2010، 2/2010، 6/2009، 34/2008، 39/2008، 39/2000، 14/1996، 28/1994، 1/1992)^۷

برداشت‌ها (انتظارات، تمایلات)

۳۵- با توجه به موارد فوق، گروه کار نظرگاه‌های زیر را تسلیم می‌دارد:

محرومیت از آزادی آقای محمدحسین رفیعی فنود خودسرانه (عمومی)، تقابل مواد ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۹، ۲۰ و ۲۱ از UDHR و مواد ۹، ۱۰، ۱۴، ۲۲ و ۲۵ از ICCPR بوده و تحت مقولات I، II، III از مقولات مورد عمل توسط گروه کار است.

۳۶- گروه کار از دولت می‌خواهد که اقدامات لازم برای وضعیت آقای رفیعی را بدون تعلل انجام داده و آن را با معیارها و اصول موجود در UDHR و ICCPR سازگار سازد.

۳۷- با توجه به تمام وجوه موارد (تحت بررسی)، خصوصاً مخاطره‌ی اضرار به سلامتی و وضعیت کامل فیزیکی آقای رفیعی، گروه کار معتقد است که راه حل مناسب وضعیت عبارت است از آزادی بلافاصله‌ی آقای رفیعی، و ارائه‌ی حق مسلم جبران (غرامت) به وی بر طبق ماده‌ی (5) ICCPR.

۳۸- گروه کار به دولت اصرار می‌کند که به طور کامل بررسی شرایط دربرگیرنده‌ی محرومیت خودسرانه از آزادی‌های رفیعی را بررسی و اقدامات مناسب را در مقابل مسئولین نقض حقوق وی به عمل آورد.

دستورالعمل اقدامات بعدی

۳۹- بر طبق پاراگراف ۲۰ از روش کار گروه کار، گروه مزبور از منبع و دولت می‌خواهد که اطلاعات مربوط به اقدام بعدی را طبق پیشنهادهای متخذه در این نظرگاه (Opinion) ارائه کند. این امر شامل موارد زیر می‌شود:

۶. به عنوان مثال به نظر 22 Paragraph، 47/2012 توجه کنید.

۷. قبلاً جمهوری اسلامی اطلاعاتی را برای گروه کار فرستاده بود. نگاه کنید به نظرات شماره‌های 58/2011، 21/2011، 20/2011، 4/2008، 19/2006، 14/2006، 8/2003، 30/2001، لیکن بعداً این ارتباط را قطع کرد و در موارد جدید پاسخی نداد.

- الف - آیا آقای رفیعی آزاد شده، و اگر پاسخ مثبت است در چه تاریخی؟
- ب - آیا جبران یا غرامت‌های دیگری به آقای رفیعی داده شد است یا خیر؟
- ج - آیا بررسی‌هایی در باب نقض حقوق آقای رفیعی صورت گرفته، و اگر پاسخ مثبت است، نتیجه‌ی بررسی‌ها چیست؟
- د - آیا اصلاحات قانونی یا تغییرات در رویه‌ی اجرا برای هماهنگ‌سازی قوانین و رویه‌های دولتی با تعهدات بین‌المللی‌اش در سازگاری با این «نظرگاه» صورت گرفته یا خیر؟
- ه - آیا هیچ اقدام دیگری برای اجرای این «نظرگاه» صورت گرفته یا خیر؟
- ۴۰- همچنین از دولت دعوت شده تا به هرگونه مشکلی که در رابطه با اجرای پیشنهادهای این «نظرگاه» برخورد کرده به گروه کار اطلاع دهد، و این که آیا کمک فنی بیشتری مورد نیاز است، مثلاً از طریق مسافرت و ملاقات با گروه کار.
- ۴۱- گروه کار از منبع و دولت درخواست می‌کند که اطلاعات فوق را ظرف مدت ۶ ماه از تاریخ انتقال (دریافت) این «نظرگاه» فراهم آورد. با اینهمه، گروه کار حق امکان بر عهده گرفتن اقدامات بعدی (متعاقب) این «نظرگاه» توسط خود را محفوظ می‌دارد، در صورتی که نگرانی‌های جدیدی در رابطه با این پرونده به نظر آن برسد. این دستورالعمل اقدامات متعاقب، به گروه کار توان آن را می‌دهد تا شورای حقوق بشر را در باب پیشرفت انجام شده در اجرای پیشنهادهای آن و نیز هر عدم موفقیتی در انجام اقدامات مطلع سازد.
- ۴۲- گروه کار خاطرنشان می‌سازد که شورای حقوق بشر از همه‌ی دولت‌ها خواسته تا با گروه کار همکاری کرده تا نظرگاه‌های آن را منظور دارند، و هر جا لازم باشد، گام‌های مناسب را برای علاج مشکل وضعیت افرادی که خودسرانه از حق آزادی محروم شده‌اند بردارد، و گروه کار را از اقدامات صورت گرفته با اطلاع سازد.

[اتخاذ شده در ۲۲ اوت ۲۰۱۶].